

بررسی چگونگی تاثیر پذیری استقلال دانشگاه در ایران بر مبنای فعالیت‌های سیاسی دانشجویی  
(۱۳۴۶-۱۳۲۰)

سعید جهانگیری<sup>۱</sup> - ابراهیم متقی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۷

**چکیده:**

هدف از این پژوهش بررسی تاثیر فعالیت‌های سیاسی دانشجویی بر روند استقلال دانشگاه در ایران بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۶ می‌باشد. پژوهش پیش‌رو درصدد پاسخ به این پرسش‌ها است که، فعالیت‌های دانشجویی در قالب احزاب سیاسی بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۶ چه تاثیری بر روند استقلال دانشگاه داشته است؟ همچنین نگارنده در پی بررسی چگونگی رفتار نیروهای دولتی و مسئولین دانشگاه با فعالین دانشجویی در این دوره زمانی می‌باشد؟ فرض اصلی پژوهش بر این امر استوار است که، سال ۱۳۲۱ علی‌اکبر سیاسی دانشگاه تهران را از لحاظ مدیریتی و اداری به استقلال رسانده و دیگر نیروهای نظامی و دولتی حق ورود و دخالت در دانشگاه را نداشته‌اند. با شکل‌گیری فعالیت‌های دانشجویی در دهه بیست، دولت و نیروهای نظامی درصدد نفوذ در دانشگاه و تنبیه دانشجویان سیاسی است و مسئولین دانشگاه نیز درصدد حفظ استقلال دانشگاه هستند. پژوهش پیش‌رو با استفاده از روش تحقیق تاریخی توصیفی - تحلیلی انجام شده است. دست آورد این پژوهش نشان می‌دهد که فعالیت‌های سیاسی دانشجویان منجر به دخالت دولت در دانشگاه شده و سرانجام دولت در نیمه اول دهه چهل، با تصویب قوانین جدیدی، سعی در تضعیف استقلال دانشگاه داشته و بدین ترتیب مسئولین دانشگاه در مقابل فشار رژیم حاکم مجبور به پذیرش این امر شدند.

**واژگان کلیدی:** دانشگاه، استقلال دانشگاه، جریان‌های دانشجویی، علی‌اکبر سیاسی، احزاب،

دولت

---

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، مسائل ایران، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

saeedjahangiri61@yahoo.com

<sup>۲</sup> - استاد علوم سیاسی و عضو هیات علمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

emottaghi@ut.ac.ir

### مقدمه:

بعد از جنگ‌های ایران و روس و آشنایی ایرانیان با تمدن جدید غرب، به تدریج در ایران جریان‌های تغییرخواه و جنبش‌های انقلابی و رادیکال شکل می‌گیرد. نظام آموزشی به آرامی دچار تحول می‌شود و پس از تأسیس دارالفنون به تدریج در عصر مشروطه موسسات آموزش عالی بنیاد نهاده می‌شود. براساس تجربه دهه‌های گذشته، در عصر رضاشاه، دانشگاه تهران تأسیس می‌شود که پیامد هابی همچون جنبش‌های دانشجویی را در پی دارد. به تدریج، جامعه دانشجویی ایران با مسائل بین‌المللی پیوند می‌خورد و انجمن‌های دانشجویی در داخل و خارج از کشور شکل می‌گیرد. در این مرحله، دانشجویان بیش از پیش جذب مسائل سیاسی شده و در راستای آرمان‌های سیاسی، فرهنگی، صنفی خود دست به فعالیت می‌زنند.

با سقوط رضاشاه و بازشدن ناگزیر فضای سیاسی در ایران، احزاب و گروهک‌های سیاسی مختلفی تأسیس می‌شود که در مرحله اول متوجه دانشگاه و دانشجویان می‌شوند و در مرحله دوم عاملی در تحریک و فعال کردن دانشجویان. به ترتیب جریان‌های فکری - حزبی اعم از: مذهبی، مارکسیستی و ملی بیرون از دانشگاه شکل می‌گیرد که همانا بدون بررسی این جریان‌های فکری - حزبی نمی‌توان فعالیت‌های سیاسی دانشجویان در این دوره زمانی را بررسی کرد.

با مطالعه جنبش‌های دانشجویی در جوامع غربی می‌توان پی برد که همانا یکی از خصیصه‌های بارز این جنبش‌ها مسئله اصلاحات دانشگاهی و استقلال دانشگاه نسبت به نهادهای بیرون دانشگاه بوده (هولاب، ۱۳۷۵: ۱۱۷-۱۱۸)<sup>۱</sup>، استقلال دانشگاه را می‌توان استقلال مالی، عدم مداخله مقامات غیردانشگاهی در امور آن، اعم از تعیین برنامه یا انتخاب استاد یا پذیرش دانشجو و شرایط مربوط به آن دانست. (نراقی، ۱۳۵۴: ۵۶) در همین راستا دانشگاه تهران بعد از سقوط رضاشاه با تلاش‌های علی اکبر سیاسی توانسته بود به استقلال اداری مدیریتی دست پیدا کند و از وزارت فرهنگ جدا شده و برای حفظ این استقلال می‌کوشید. اما احزاب نیز درصدد نفوذ در دانشگاه‌ها و مسئولین دولتی و رژیم حاکم نیز در پی تنبیه دانشجویان سیاسی و جلوگیری از سیاسی شدن فضای دانشگاه بودند که همانا این مسئله استقلال دانشگاه را به خطر می‌انداخت.

لازم به ذکر می‌باشد که، تاکنون پژوهشی تحت این عنوان صورت نگرفته است و مقالات موجود

<sup>۱</sup> - همچنین بنگرید به: باتامور، تی، بی، منتقدان جامعه، ترجمه محمد جواهر کلام (تهران: مهری ستا، ۱۳۹۰)، صص ۱۲۶-۱۲۷، ۲۰.

با موضوع جنبش دانشجویی به بحث در مورد نقش جنبش‌های دانشجویی در انقلاب اسلامی پرداخته شده است.

بنابراین می‌توان فرضیه را اینگونه مطرح کرد که فعالیت‌های سیاسی دانشجویان در قالب احزاب سیاسی بیرون دانشگاه، و تبلیغ ایدئولوژی‌های سیاسی از جانب آنها در دانشگاه، سبب شکل‌گیری خصومت بین دولت و دانشگاه شد و در نهایت منجر به تضعیف دانشگاه و استقلال دانشگاه شد. اکنون هدف پژوهش را در قالب یک سوال مطرح می‌شود: فعالیت‌های سیاسی دانشجویی در بین سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۲۰ چه تاثیری بر روند استقلال دانشگاه در ایران داشته است؟

### استقلال دانشگاه

یکی از ویژگی‌های مهم و اساسی دانشگاه را می‌توان «استقلال دانشگاه»<sup>۱</sup> دانست. منظور از «استقلال» نوع خاص رابطه میان دولت و دانشگاه است که در آن دولت ضمن حمایت از فعالیت‌های دانشگاهی از دخالت در آن نیز اجتناب می‌کند. همچنین لازمه «آزادی دانشگاهی» این است که دولت‌ها «استقلال» نهادهای دانشگاهی را بپذیرند. (فاضلی، ۱۳۹۳: ۴۱) همچنین می‌توان استقلال دانشگاه را استقلال مالی، عدم مداخله مقامات غیردانشگاهی در امور آن، اعم از تعیین برنامه یا انتخاب استاد یا پذیرش دانشجو و شرایط مربوط به آن دانست. (نراقی، ۱۳۵۴: ۵۶)<sup>۲</sup> کارل یاسپرس<sup>۳</sup> معتقد است دانشگاه موسسه‌ای است که تحت مجوز رسمی استقلال دارد، اما در عین حال باید به دولتی که به آن مجوز می‌دهد و از آن حمایت می‌کند پاسخگو باشد و بنابراین از لحاظ قانونی وضعیتی دوگانه و پر از ابهام و حتی پرتنش دارد. (یاسپرس، ۱۳۹۴: ۱۶۲)

یاسپرس در ادامه می‌گوید: «حقیقت این است که روابط میان دولت و دانشگاه تقریباً همیشه پرتنش و متعارض بوده است. دولت به سادگی می‌تواند بر دانشگاه سلطه داشته باشد و در واقع آن را نابود کند، زیرا دانشگاه بدون دولت ناتوان است. بنابراین همه تعارضات باید به سطح فکری محدود شوند.» (همان: ۱۶۲-۱۶۳) وی همچنین متذکر می‌شود که «دانشگاه باید از مانورهای سیاسی اجتناب کند، نه فقط به این دلیل که نسبت به آن بیگانه‌اند، بلکه به این دلیل که برای انسجامش خطرناک و مهلکند. دانشگاه (برخلاف نهادهای سیاسی) باید به طور صریح و آشکار

<sup>۱</sup> - academic autonomy

<sup>۲</sup> - همچنین در این مورد بنگرید به:

University Good Governance, The study of autonomy and accountability in Islamic Azad University, Qazvin Province: Hossein Ahmadi and others (Urban management, No. 42 Spring 2016), p 238.

<sup>۳</sup> - karl jaspers

خواستش را عیان کند. دانشگاه دولت را با نیروی حقیقت، و نه با زور، کنترل می‌کند. پیامد این تنش فکری باید همکاری دولت و دانشگاه باشد، نه نابودی ضعیف‌تر توسط قوی‌تر» (همان: ۱۶۲-۱۶۳) یاسپرس فرض خود را بر این می‌گیرد که اگر دولت به «ایده دانشگاه» کمکی نکند و استقلال دانشگاه را نپذیرد لذا دانشگاه باید «ایده خود» را در خفا نگه دارد، مراقب باشد که وارد فعالیت‌های اجتماعی نشود، و منتظر سقوط احتمالی دولت حاضر بماند. (همان: ۱۶۲-۱۶۳)

### جریان دانشجویی متأثر از جریان مذهبی

بعد از شهریور ۱۳۲۰ اولین تشکل دانشجویی که در دانشگاه تهران تاسیس شد، انجمن اسلامی دانشجویان بود، اولین هسته انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۱ ه. ش در دانشکده پزشکی ایجاد شد. بعدها واحدهای دیگری در سایر دانشکده‌ها نیز ایجاد شده و دانشجویانی از دانشکده‌های فنی، حقوق، داروسازی، دندانپزشکی، علوم و کشاورزی به آن پیوستند. (یزدی، ۱۳۸۳: ۲۵) در این دوره ابراهیم یزدی اگر چه دانش‌آموز محسوب می‌شد ولی با انجمن اسلامی دانش‌جویان در ارتباط بوده و بعدها در سال ۱۳۲۸ وارد دانشگاه تهران شده و در واقع به فعال‌ترین دانشجوی این جریان تبدیل می‌شود. (مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۸۶: ۱/۱۷۸)

از منظر جریان دانشجویی مذهبی وقت، فضای باز سیاسی بعد از سقوط رضاشاه سبب شکل‌گیری فعالیت‌های حزب توده و افرادی با مرام مارکسیستی و ضد دین شده بود که جریان مذهبی دشمن خود می‌دانست و این چنین دین و مذهب مردم را از منظر خود در خطر می‌دیدند. این امر سبب شد تا نیروهای مذهبی با اهداف نه چندان سیاسی و بیشتر فرهنگی وارد جامعه شوند و در راستای تقویت اسلام از منظر خود کوشش کنند. اهداف انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران به موجب اساسنامه انجمن اسلامی عبارت بوده از: ۱- اصلاح جامعه بر طبق دستورات اسلامی ۲- کوشش در ایجاد دوستی و اتحاد بین افراد مسلمان، مخصوصاً جوانان روشنفکر ۳- انتشار حقایق اسلامی به وسیله اتحاد موسسات تبلیغاتی و نشر مطبوعات ۴- مبارزه با خرافات. (یزدی، ۱۳۸۳: ۲۵)

هر چند در دهه بیست تعداد دانشجویان مذهبی به شدت اندک بوده و این را می‌توان در نوع فعالیت و با کمیت و کیفیت فعالیت آنها مشاهده کرد ولی با این اوصاف در این دهه دانشجویان مذهبی با تاسیس انجمن اسلامی براساس اهداف اولیه و بنیادین خود شروع به فعالیت می‌کنند که همانا اهداف فرهنگی اولویت اول آنها محسوب می‌شد لذا در مرحله اول طرح سخنرانی‌های مذهبی، انتشار روزنامه‌ها و مجلات مذهبی و راه‌اندازی مسجد دانشگاه و دعوت از روحانیون

روشنفکر همچون آیت الله طالقانی را در دستور کار خود قرار می‌دهند. از جمله فروغ علم به صاحب امتیازی جعفر شهیدی و سردبیری مهندس شکیب نیا را می‌توان نام برد. (نامه فروغ علم، ۱۳۲۹: ۱-۳)

محور برنامه‌های انجمن اسلامی دانشجویان حلقه‌های مطالعاتی، سخنرانی روشنفکران دینی، گردآمدن در مسجد هدایت و برگزاری مراسم‌ها و عیدهای مذهبی بود. در بعضی از جلسات از صاحبان فکر و اندیشه که دانشجو هم نبودند برای سخنرانی دعوت می‌شد. بعضی از سخنرانی‌ها، به صورت مقاله تدوین و در مجله فروغ علم و یا گنج شایگان و یا مجلات دیگر چاپ می‌شد. نظیر سخنرانی مهندس معین فر درباره ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم از دیدگاه اسلام، همچنین سخنرانی‌های مهندس بازرگان آورده می‌شد. (یزدی، ۱۳۸۳: ۳۶-۳۷)

از میان روحانیون برجسته، آیت الله طالقانی، از همه سریع‌تر با روشنفکران دینی پیوند خورد، روحانیون دیگر، نظیر سنگلجی، کمره‌ای، و راشد هم بعدها با این گروه مرتبط شدند. بعدها طلاب و مدرسین جوان‌تری، همچون بهشتی، موسی صدر و سید هادی خسروشاهی، حاج سید ضیاء، حاج سید جوادی و در سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد، مرتضی مطهری نیز به این جمع اضافه شدند و در جلسات هفتگی و یا در برنامه‌های دیگر انجمن اسلامی حضور پیدا می‌کردند. (همان، ۴۲) بعد از کودتای ۲۸ مرداد فعالیت‌های انجمن اسلامی به تدریج خاموش شد و تنها گهگاهی به برگزاری مراسمات مذهبی می‌پرداختند. از جمله مراسم جشن عید فطر در اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ در کرج که گزارشی از این مراسم در مجله مجموعه حکمت آمده است. (مجموعه حکمت، ۱۳۳۸: ۳/۲۷-۲۸)

بعد از وقایع ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ اعضای انجمن اسلامی دانشجویان و دانشجویان مذهبی و مسلمان به تدریج وارد فعالیت‌های سیاسی و مبارزات مسلحانه علیه حکومت شاهنشاهی پهلوی شدند، که بدون بررسی ریشه‌های فرهنگی و فکری این دانشجویان نمی‌توان علل گرایش دانشجویان مسلمان به اقدامات چریکی را فهمید، لذا می‌بایست زمینه‌های فکری این دانشجویان را در حلقه‌های مطالعاتی و فکری که در دهه بیست و سی برگزار می‌کردند جست‌وجو کرد. زیرا این حلقه‌های فکری بود که ساختار فکری دانشجویان مذهبی و مسلمان را شکل می‌داد که همانا بعدها جز مبارزین مطرح و درجه اول مبارزه با حکومت پهلوی محسوب شدند.

انجمن اسلامی همزمان با تاسیس نهضت آزادی مسیری نو در فعالیت‌های خود نسبت به سیاست حاکم در ایران اتخاذ کرد. در سال‌های ۴۰ تا ۴۴ دو عامل منجر به صحنه آمدن انجمن

اسلامی دانشجویان مذهبی در مسائل سیاسی به صورت عملی شد. ابتدا تشکیل نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰ و دو سال بعد واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بود. این دو واقعه را می‌توان رشد تدریجی فعالیت‌های جریان مذهبی دانست و به نوعی فاصله میان متولیان مذهب و دانشگاه را که از آغاز تاسیس دانشگاه در ایران زیاد بود را کم کرده و آنها را در یک مسیر قرار داد. (باقی، ۱۳۷۹: ۷۵-۷۶) با تاسیس نهضت آزادی دانشجویان مذهبی به صورت علنی دانشگاه دست به فعالیت‌های سیاسی می‌زنند و در بیانیه‌های خود از کلمه دین و کفر استفاده می‌کنند و خواستار سرنگونی «دیکتاتوری فاسد» هستند. (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازبایی: ۳۹۰۳-۲۸۰)

### جریان دانشجویی متأثر از حزب توده

با سقوط رضاشاه راه برای فعالیت جریان فکری مارکسیست باز شد. اعضای گروه موسوم به ۵۳ نفر از زندان آزاد شده و درصدد تاسیس حزب توده برآمدند. این حزب برای گسترش فعالیت‌های خود در میان جوانان در فروردین ۱۳۲۲ «سازمان جوانان حزب توده» را تشکیل داد. (کریمیان، ۱۳۸۱: ۱۱۲) اعضای این سازمان بین ۱۳ تا ۲۳ سال سن داشتند و پس از ۲۳ سالگی عملاً به عضویت حزب توده در می‌آمدند. در حقیقت سازمان جوانان، آموزش و تربیت کادر آینده حزب را برعهده داشت و تشکیلات دانشجویی نیز در چارچوب سازمان جوانان جا می‌گرفت و درصدد فعال کردن دانشجویان بود. (همان: ۱۲)<sup>۱</sup> در واقع می‌توان گفت که فضای سیاسی حاکم بر دانشگاه در نیمه اول دهه بیست در سیطره حزب توده و جریان مارکسیستی بود. (نجاتی، ۱۳۷۷: ۴۴۶-۴۴۹) می‌توان گفت تشکیل اتحادیه‌های دانشجویی در دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران (ضیاءالظریفی، ۱۳۷۸: ۲۶-۲۷) شروع فعالیت تشکیلاتی و منسجم فعالین دانشجویی در دانشگاه بود و من بعد دانشجویان خواهان برگزاری متینگ و اعتراضات صنفی و سیاسی خود بودند که برخی اوقات به خشونت کشیده می‌شد و از طرف دیگر نیز دولت خواهان آرامش در دانشگاه و برخورد با دانشجویانی است که از منظر آنها نظم دانشگاه و شهر را به هم می‌زنند، مسئولین دانشگاه در این بین نیز خواهان حفظ استقلال دانشگاه هستند. با روند شکل‌گیری اتحادیه‌ها، اعتصابات صنفی - سیاسی دانشجویان شکل می‌گیرد که حزب توده به آن

<sup>۱</sup> - در این مورد همچنین بنگرید به: عبدالصمد کامبخش، شمه‌ای درباره تاریخ جنبش کارگری ایران، چاپ ششم (تهران: حزب توده، ۱۳۶۰) ص ۸۲ همچنین بنگرید به: نادر پیمانی، خاطرات نصرت‌الله جهان‌شاه لوفشار: ما و بیگلگان (تهران: سمرقند، ۱۳۸۵)، ص ۹۱.

دامن می‌زد (خامه‌ای، ۱۳۶۲: ۲۷۵-۲۷۷) و اولین اعتصاب نیز در روز ۶ بهمن ۱۳۲۴ که دولت حکیمی سقوط کرده بود، شورای دانشگاه با تمام تقاضای دانشجویان موافقت کرد و اعتصاب با موافقت کامل پایان یافت. (همان، ۲۷۵-۲۷۷)

فعالیت‌های صنفی- سیاسی دانشجویان توده‌ای تبدیل به دغدغه مسئولین حکومتی شده بود. از مهم‌ترین اعتصابات می‌توان به اعتصاب دانشجویان توده‌ای به خاطر انتخابات مجلس پانزدهم در سال ۱۳۲۵ اشاره کرد. (روزنامه اخبار ایران، ۱۳۲۵: ۱/۱۵-۴)<sup>۱</sup>

واقعه ترور شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ منجر به سرکوب فعالین دانشجویی شد (ضیاء الظریفی، ۱۳۷۸، ۵۹) ولی به تدریج فضای باز فعالیت سیاسی دوباره به ایران برگشت و به ترتیب در سال ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ سازمان دانشجویان کوی دانشگاه و سازمان دانشجویان دانشگاه تهران تاسیس شد (همان: ۶۶-۸۳) که مسئولین دانشگاه بارها بر توده‌ای بودن این سازمان تاکید داشتند (اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران، ۱۳۸۲: ۱۶/۱) یکی از بزرگترین اعتصابات دانشجویی سازمان دانشجویان دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۹ به پا گردید، که در واقع می‌توان گفت بزرگترین اعتصاب دانشجویی دهه بیست می‌باشد، با این اعتصاب گسترده توجه جدی مسئولین حکومتی نسبت به دانشگاه و فعالین دانشجویی را در پی داشت. مسئولین دولتی به صورت دقیق این اعتصاب را زیر نظر داشته و تمام اسناد بر توده‌ای بودن این اعتصاب متفق القول هستند (همان، ۱-۱۱)<sup>۲</sup> و حتی مسئولین دانشگاه که به دلیل استقلال دانشگاه به نیروهای نظامی اجازه ورود به دانشگاه را نمی‌دادند نیز بر سیاسی و توده‌ای بودن این اعتصاب اعتراف کرده‌اند (همان: ۵) و در پی آن مسئولین دانشگاه درصدد تنبیه دانشجویان برمی‌آیند. (همان: ۶) از دیگر وقایع جالب و شگفت‌انگیز فعالین توده‌ای در دانشگاه تهران می‌توان به محاصره شورای دانشگاه از ساعت ۱۱ صبح تا ۳۰:۶ دقیقه بعد از ظهر اشاره کرد (همان: ۵۶) که دکتر مصدق در این زمان در آمریکا حضور داشت و این اعتصاب به نشانه مخالفت سیاست داخلی با دولت وی تداعی پیدا کرد. (سیاسی، ۱۳۸۶: ۲۳۰)<sup>۳</sup> محاصره‌ای که عملاً به تدریج بحث مسئله حضور نظامیان و دخالت دولت در دانشگاه را به جریان انداخت و سبب شکل‌گیری مذاکراتی در این باره شد. (مرکز

<sup>۱</sup> - در این مورد همچنین بنگرید به: ابوالحسن ضیا الظریفی، سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، همان، ص ۵۰. همچنین بنگرید به: «پیانیه دانشجویان دانشکده های پزشکی، داروسازی، دندانپزشکی، و مامائی، روزنامه اخبار ایران، جمعه ۱۳ دی ماه ۱۳۲۵، ش ۱۵، ص ۱-۴.

<sup>۲</sup> - در این مورد همچنین بنگرید به: مرکز سنجش، پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، پایگاه نخست وزیری، شماره بازبایی سند: ۷۱۵۵.

<sup>۳</sup> - در این مورد همچنین بنگرید به: اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران، جلد اول، همان، ص ۵۳-۵۶.

سنجش، پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، شماره بازیابی: ۱۱۷۷۲) دانشجویان توده‌ای دانشگاه تهران در جریان ملی شدن صنعت نفت نیز پیرو سیاست‌های حزب توده بوده و این دانشجویان برای مسئله نفت شعار العای قرارداد نفت جنوب را سر می‌دادند. (اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران، همان: ۱۳)<sup>۱</sup> مجموع این اعتصابات و همچنین فعالیت‌های دیگر سبب شکل‌گیری تنش میان دانشجویان، مسئولین دانشگاه که حامی استقلال دانشگاه بودند و مسئولین حکومتی شد که در کانون این تنش فعالیت سیاسی دانشجویان قرار داشت.

### جریان دانشجویی متأثر از جبهه ملی

با پایان یافتن عمر مجلس پانزدهم و شروع فعالیت‌های انتخاباتی مجلس شانزدهم، مکی و بقایی، از دکتر مصدق خواستند که از «بازنشستگی سیاسی» دست بردارد و رهبری نهضت ملی را به دست گیرد. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۴۶) با پیوستن حزب ایران، حزب پان ایرانیست به رهبری پزشک پور، نهضت خدایپرستان سوسیالیست (جمعیت آزادی مردم ایران) به رهبری حسین راضی و محمد نخشب و حزب ملت ایران به رهبری داریوش فروهر و بعدها برخی از هواداران خلیلی ملکی، جبهه ملی به صورت مهم‌ترین سازمان سیاسی ملی‌گرای ایران در جریان نهضت ملی شدن نفت درآمد. (بختیاری، ۱۳۸۵: ۴۳)

پیش از سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹، جو غالب دانشگاه به جنبش چپ مارکسیستی تعلق داشت. تعداد دانشجویان ملی یا اسلامی فعال چندان چشمگیر نبود. اکثریت قابل توجهی از دانشجویان علی‌الاصول غیرسیاسی بودند. اما جنبش ملی این مناسبات درون دانشگاه را برهم زد و روز به روز بر تعداد دانشجویان ملی افزوده شد. (یزدی، همان: ۸۵) با آغاز کار احزاب ملی و جمع شدن آنها حول محور جبهه ملی شروع شد. احزاب ملی بیرون دانشگاه هرکدام در راستای اهداف خود سعی در جذب دانشجویان دانشگاه تهران داشتند. توجه احزاب ملی به دانشجویان در سطحی قرار داشت که به طور مثال حزب ایران در اساسنامه سازمان جوانان خود در قسمت شرایط عضویت سن عضو را از ۱۵ تا ۲۵ می‌داند که در تبصره آن آمده است که دانشجویان در هر سنی باشند در سازمان پذیرفته می‌شوند. (حزب ایران، مجموعه اسناد و بیانیه‌ها، ۱۳۷۹: ۱۶۶)<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - در این مورد همچنین بنگرید به: مسعود حجازی، رویدادها و داوری خاطرات مسعود حجازی ۱۳۲۹-۱۳۳۹ (تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۵)، ص ۱۷-۱۹. همچنین بنگرید به: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره بازیابی: ۵۶۲۵-۲۹۰.

<sup>۲</sup> - در این مورد همچنین بنگرید به: عماد الدین باقی، همان، ص ۵۶.



تنش و فعالیت سیاسی درون دانشگاه تهران از زمانی به اوج خود رسید که دانشجویان ملی در مقابل دانشجویان توده‌ای قد علم کردند و کار آنها گهگاهی به زد و خورد فیزیکی نیز منجر می‌شد (مجید فیاض، ۱۳۸۹: ۱۸۱-۱۷۴) و این امر دغدغه مسئولین دانشگاه و حاکمیت را دو چندان کرده بود. (اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران، همان: ۴۲-۴۱) در همین زمان دانشجویان ملی سازمان صنفی دانشجویان دانشگاه تهران را تشکیل دادند. (حجازی، ۱۳۷۵: ۴-۳) با شکل‌گیری طیف دانشجویی ملی‌گرا در دانشگاه تهران به تدریج فعالیت سیاسی دانشجویان بالا گرفت. در همین راستا نخست‌وزیر وقت نگران این وضعیت بود و طی یک نامه به دکتر سیاسی رئیس دانشگاه تهران می‌نویسد که جلوی دانشجویان را بگیرد و در واقع در مورد متینک‌ها و دیگر برنامه‌ها و فعالیت‌های دانشجویان هشدار می‌دهد. (اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران، همان: ۴۲-۴۱) در نامه‌ای دیگر نخست‌وزیر وقت فعالیت‌های دانشجویان را عملیات تروریستی می‌خواند که این «دانشجویان می‌خواهند محیط دانشگاه را تبدیل به یک محیط ترس و هراس و بی‌نظمی نمایند». (همان: ۴۳) روزها و ماه‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد را می‌توان نقطه اوج فعالیت دانشجویان سیاسی دانست. دانشجویان، دانشگاه را همچون سنگری در مقابل رژیم برای خود می‌دانستند و شروع به دادن شعارهای سیاسی ضدشاه و دولت کودتا می‌کردند و تنش در دانشگاه را به نقطه اوج خود رسانده بودند. (سفری، ۱۳۷۳: ۱۰۳) و این امر بعدها منجر به وقایع ۱۶ آذر ۱۳۳۲ می‌شود که در پی آن برخی از دانشجویان از دانشگاه اخراج شده و به نقاط بد آب و هوا برای خدمت سربازی اعزام شدند. (اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران، همان: ۶۸-۶۵) بعد از کودتا فعالیت دانشجویان ملی‌گرا سرکوب شد اما در اواخر دهه سی به دلیل شرایط بین‌المللی و شرایط سیاسی داخلی سبب فعال‌شدن دوباره دانشجویان حول محور جبهه ملی دوم شد. (همان: ۷۲)<sup>۱</sup> اعتصابات دانشجویان در این دوره شدت می‌گیرد و دانشجویان خواستار مطالبات سیاسی خود هستند. (اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران، همان: ۱۳۷۶)<sup>۲</sup> برخی مواقع اعتصابات دانشجویان چند روز به طول می‌انجامد و دانشجویان شب را در دانشگاه به صورت اعتصاب می‌گذرانند. (ملکی، ۱۳۷۶: ۱۵/۳۸)<sup>۳</sup> همچنین حادثه کشته شدن یک معلم (دکتر

<sup>۱</sup> - همچنین در این مورد بنگرید به: مرکز سنجش، پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، پایگاه نخست‌وزیری، شماره بازبایی: ۵۵۵۹۹.

<sup>۲</sup> - همچنین در این مورد بنگرید به: مکاتبات مصدق، تلاش برای تشکیل جبهه ملی دوم (بی‌جا: انتشارات مصدق، ۱۳۵۴)، ص ۵۶.

<sup>۳</sup> - در این مورد همچنین بنگرید به: عمادالدین باقی، همان، ص ۵۹-۶۰.

خانعلی) سبب واکنش دانشجویان و راهپیمایی‌های آنها به همراه معلمان و اعتصاب‌های دیگر در دانشگاه شد. (اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران، همان: ۹۳-۸۷)<sup>۱</sup>

پرداختن دانشجویان به فعالیت‌های سیاسی در اوایل سال ۱۳۴۰ به اوج خود رسیده بود و در واقع کمیته دانشگاه جبهه ملی دوم فعال‌ترین بخش این حزب محسوب می‌شد و جو فکری حاکم بر دانشگاه در این دوره زمانی نیز در دست آنها قرار داشت. انتقادهای جبهه ملی به دولت امینی سبب شد تا در کمیته دانشگاه این حزب تدارک یک اعتصاب دانشجویی در دانشگاه تهران داده شود و ابوالحسن بنی‌صدر نیز مسئول برگزاری این اعتصاب شد. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی: ۱۵۴۴۸) روز اول بهمن ۱۳۴۰ تظاهرات دانشجویان به صورت گسترده در دانشگاه تهران صورت گرفت و شایعاتی مبنی بر بی‌احترامی به مجسمه شاه در دانشگاه تهران سبب شد تا در این روز کماندوهای ارتش از زمین و آسمان به دانشگاه یورش آورده و دانشگاه را همانند یک شهر دشمن فتح کرده و شروع به تخریب دانشگاه و مجروح کردن دانشجویان برآیند. (موسسه مطالعاتی تاریخ معاصر، شماره بازیابی: ۶-۴۸۸-۰۱۲) که همانا نقش سران ملی در تحریک دانشجویان واضح بود. (بیات، ۱۳۷۲: ۵۲-۴۷) وقایع اول بهمن ۱۳۴۰ و تصرف دانشگاه به وسیله نظامیان، از منظر مسئولین دانشگاه، بی‌احترامی به استقلال بود و در واقع از بهمن ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۶ شاهد روند تصویب قوانینی در راستای تضعیف استقلال دانشگاه هستیم. (افضلی، ۱۳۴۸: ۸-۵)

### استقلال دانشگاه و علی اکبر سیاسی

بعد از سقوط رضاشاه فضای سیاسی کشور باز و دولت لیبرالیزه شد و نهادهای مدنی فرصت ابراز وجود پیدا کردند. در این گشایش و انبساط سیاسی و اجتماعی و مدیریتی، دانشگاه تهران نیز با ظرفیت و چالاکی و خودگردانی بیشتری به کار خود ادامه داد و به کوشش روشنفکران دانشگاهی و حمایت فرزندان دارای استقلال نظر در رأس دانشگاه، مجوز استقلال دانشگاه به دست آمد. (فراستخواه، ۱۳۸۸/الف: ۳۱) در واقع، براساس قانون استقلال دانشگاه، الگوی متمرکز ناشی از شرایط دوره رضاشاه که منجر به تاسیس شورای عالی معارف و محول کردن اختیارات سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی به آن شده بود منتفی شد و به جای آن سیاست‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی دانشگاه با مشارکت کامل دانشگاهیان و براساس استقلال آکادمیک و آزادی علمی صورت می‌گرفت. (همان: ۳۳-۳۲)

<sup>۱</sup> - در این مورد همچنین بنگرید به: عباس عبدی، جنبش دانشجویی پلی تکنیک (امیرکبیر) (تهران: نی، ۱۳۹۳)، ص ۸۵

دکتر علی اکبر سیاسی از موسسین دانشگاه تهران بوده و از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۳ رئیس دانشگاه تهران بود. برخی از پژوهشگران حوزه دانشگاه و مدیریت آموزشی معتقد هستند که دوران ریاست علی اکبر سیاسی جزء درخشانترین دورههای آموزشی، مدیریتی و ... در دانشگاه تهران محسوب می‌شود. (فراستخواه، ۱۳۸۸/ب: ۲۵۰) خدمات علی اکبر سیاسی در دانشگاه مورد حمایت اکثر دانشجویان و اساتید این دانشگاه بوده و به همین خاطر وی توانسته بود به مدت ۱۳ سال ریاست دانشگاه تهران را به عهده بگیرد. (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازیابی: ۱۳۲۹۱-۲۹۶) دکتر علی اکبر سیاسی در مرحله اول ریاست خود سعی بر آن داشت تا دانشگاه را از لحاظ اداری و مدیریتی و امور داخلی خود به استقلال برساند. زیرا از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۱ دانشگاه تهران جزئی از وزارت فرهنگ محسوب می‌شد و در زمره یکی از ادارات مختلف آن وزارتخانه بود. روسای دانشکده و اساتید آنها را وزیر فرهنگ به دلخواه خود عزل و نصب می‌کرد، به همان سهولتی که روسای دبیرستان‌ها و دبستان‌ها و دبیران و آموزگاران را عزل و نصب می‌نمودند. (سیاسی، ۱۳۸۶: ۱۲۳) استخدام استادان و برنامه‌ریزی درسی به صورت متمرکز تنظیم می‌شد تا حدی که در سال ۱۳۱۷ به نظریات و انتقاداتی که در زمینه برخی دروس زائد در درون دانشگاه و توسط برخی استادان مطرح ارائه شد، بی‌اعتنایی صورت گرفت. (سیاسی، همان: ۱۲۳) آموزش در فضای حکومت سالار و دستگاه متمرکز و عمودی، به گونه‌ای تبلیغ و اجرا و هدایت می‌شد که وفاداری ایدئولوژیک به سیاست حاکم و راس هرم قدرت را القا و این به خودگردانی و آزادی علمی و استقلال آکادمیک و هویت صنفی و مدنی دانشگاه به عنوان اتحادیه‌ای میان دانشجویان و استاد، لطمه می‌زد. (فراستخواه، همان/ب: ۲۴۳-۲۴۲) دوره ۱۳ ساله ریاست علی اکبر سیاسی همراه با استقلال دانشگاه و شکل‌گیری جریان‌های دانشجویی بود. نظرات خاص خود را نسبت به استقلال دانشگاه و مسئله فعالیت‌های دانشجویی داشت. وی در مرحله اول معتقد بود که دانشگاه محل تحقیق و آزادی فکر است و لذا در آنجا نباید هیچ فکری را به دانشجویان تحمیل کرد، چه سیاسی، چه مذهبی. (سیاسی، همان: ۲۶۴) در همین راستا وی مخالف فعالیت سیاسی دانشجویی و نفوذ احزاب در دانشگاه بود. (اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران، همان: ۴۶-۴۵) با گسترش دانشگاه تهران به تدریج نظر احزاب به دانشگاه جلب شد و دانشگاهیان و دانشجویان را مورد مناسبی برای تبلیغ حزب و مرام حزبی خود می‌دانستند و درصدد جذب دانشجویان و دانشگاهیان برآمدند که همانا این مسئله همه افراد سیاسی، حزبی و حکومتی را شامل می‌شد، از شاه گرفته تا توده‌ای‌ها، ملی‌گراها، مذهبی‌ها و دیگر گروهک‌های سیاسی، ولی علی اکبر سیاسی در خاطرات

خود نقل می‌کند که در دیداری که با شاه داشت، شاه از وی خواسته است که یک حزب تشکیل دهد و احزاب شاه دوست را حمایت کند که علی اکبر سیاسی در جواب شاه به وی می‌گوید: «مر شاه مرا اندکی ناراحت کرد، ولی به درنگ گفتم: «رئیس دانشگاه تاکنون از نظر سیاسی بی طرف بوده و با حفظ این بی‌طرفی توانسته است این موسسه را از گرفتاری‌ها و جدال‌های سیاسی به دور نگه دارد، آیا صلاح نیست این بی‌طرفی همچنان ادامه یابد؟» (سیاسی، همان: ۲۲۸) همین مسئله به گفته دکتر سیاسی سبب شده بود که هرکدام از احزاب و جناح‌های سیاسی دکتر سیاسی را منتصب به جناح مخالف خود بدانند. دکتر سیاسی در خاطرات خود می‌آورد: «یکی از مشکلات من جلوگیری از این بود که دانشگاه میدان زورآزمایی و تبلیغات سیاسی واقع شود. من می‌گفتم دانشگاه یک حوزه علمی است. محل تحقیق و تعلیم و تعلم است و فوق احزاب و مرام-های سیاسی و تبلیغات حزبی و مذهبی قرار دارد. این امر سبب شد که چپی‌ها مرا متمایل به راستی و راستی‌ها مرا متمایل به چپ بیندارند...» (همان: ۱۶۱)

از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۳ که دکتر علی اکبر سیاسی رئیس دانشگاه تهران بود وی سعی می‌کرد تا حد امکان دانشجویان را از سیاست دور کرده و آنها را به تولید علم و علم‌آموزی وادار کند، هر چند در این زمینه موفقیت زیادی به دست نیاورد، به همین منظور در مواقعی که دانشگاه ناآرام می‌شد به شدت با آنها برخورد می‌کرد. چنانکه طی اعتصابات اردیبهشت سال ۱۳۲۹ که خواسته‌های سیاسی دانشجویان مشخص شده بود (مرکز سنجش، پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، شماره بازیابی: ۷۱۵۵) و بر دانشگاه معلوم شده بود که دانشجویان مسائل صنفی را بهانه‌ای برای مطالبات سیاسی لذا وی به تنبیه دانشجویان پرداخت. (اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران. همان: ۱۲) چنانکه کمیته انضباطی دانشگاه ۸ نفر از این دانشجویان را از امتحانات خردادماه محروم کرده و ۵ نفر از آنها را به مدت یک سال از دانشگاه اخراج و ۱۱ نفر دیگر را به طور دائم از دانشگاه اخراج کرد. (همان: ۱۳-۱۲)

### نتیجه گیری:

آغاز دهه بیست آغازی برای استقلال دانشگاه به همت دکتر سیاسی و آغازی برای فعالیت سیاسی در دانشگاه به همت احزاب بیرون دانشگاه بود که در پی آن مسئله چگونگی برخورد با دانشجویان سیاسی برای حاکمیت مطرح می‌شود که همانا مسئله استقلال دانشگاه سد بزرگی بر سر راه رژیم حاکم برای دخالت در دانشگاه و تنبیه دانشجویان بود. این مسئله سبب شکل‌گیری

تنش‌هایی بین مسئولین دانشگاه و رژیم حاکم شده که هرکدام سعی در پیش‌برد اهداف خود داشتند. از یک‌سو دولت خواهان نفوذ در دانشگاه است، از سوی دیگر، مسئولین دانشگاه خواهان حفظ استقلال دانشگاه و جلوگیری از نفوذ رژیم حاکم و نیروهای نظامی در دانشگاه بود. رقابتی که سرانجام یک بازنده داشت. اعتصابات و تشنجاتی که در دانشگاه صورت می‌گرفت مورد توجه مسئولین دولتی و شخص نخست‌وزیر بود. مامورین دولتی با دقت فعالیت‌های دانشجویی را رصد می‌کردند و از ترس حضور فعالین توده‌ای در بین دانشجویان به شدت به مسئولین دانشگاه تذکرات لازم را می‌دادند. این مسئله چنان برای دولت مهم بوده است که در تاریخ ۱۳۲۹/۹/۲۹ نخست‌وزیر وقت طی نامه‌ای به ریاست دانشگاه تهران با لحنی تند به ریاست دانشگاه تهران خاطر نشان می‌کند که دانشگاه محل علم‌آموزی و تولید علم می‌باشد نه مرکزی برای فعالیت‌های سیاسیون و منحرفین، وی از ریاست دانشگاه می‌خواهد که هرکدام از دانشجویان که برخلاف این رویه عمل نمایند را از دانشگاه اخراج کند. (همان: ۲۴) عدم داشتن نهاد انتظامات از سوی دانشگاه سبب می‌شد تا دانشگاه در مواجهه با دانشجویانی که محیط دانشگاه را متشنج می‌کنند اقدام جدی صورت نگیرد. اسناد موجود نشان می‌دهد که معمولاً با اعتراضات و ناآرامی‌های دانشگاه در مرحله اول مسئولین دانشگاه به دادن تذکر شفاهی به دانشجویان بسنده می‌کردند و در مراحل بعد که امنیت دانشگاه را در خطر می‌دیدند به واکنش تند می‌پرداختند. به طور نمونه در دی ماه ۱۳۲۹ تعداد ۹۴ نفر از دانشجویان شبانه روزی دانشکده کرج به دعوت از سازمان دانشجویان دانشگاه تهران کلاس‌های درس خود را غیبت کرده و مخفیانه وارد تهران می‌شوند تا به متینگ دانشجویان در تهران کلاس‌های درس خود را غیبت کرده و مخفیانه وارد تهران می‌شوند تا به متینگ دانشجویان در تهران بپیوندند که این عمل مورد عصبانیت نخست‌وزیر وقت قرار می‌گیرد و طی یک نامه‌ای به رئیس دانشگاه تهران خواهان مجازات دانشجویان می‌شود. (همان: ۳۴) و مسئولین دانشگاه نیز به مجازات دانشجویان اقدام می‌کنند و آنها را به کمیته انضباطی دانشگاه معرفی می‌کنند. (همان: ۳۵) بعد از این قضیه دانشگاه مقررات سختی را برای دانشجویان شبانه‌روزی دانشکده کشاورزی کرج دانشگاه تهران در نظر می‌گیرد از جمله: ۱- خروج از دانشگاه در هر موقع باید با اجازه دانشکده باشد. ۲- ملاقات با اشخاص خارج باید با اجازه دانشکده صورت گیرد ۳- پس از «زنگ خاموش» هیچ دانشجویی نباید در محوطه دانشگاه دیده شود. (همان: ۳۸)

## منابع فارسی:

### کتب

- اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران (۱۳۸۲)، زیر نظر احمد مسجد جامعی، هادی خانیکی، سید حسین موسوی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد ۱
- افضل، منوچهر (۱۳۴۸) آموزش عالی در ایران، تهران: نشر موسسه فرهنگی منطقه‌ای
- باقی، عمادالدین (۱۳۷۹)، جنبش دانشجویی ایران از آغاز تا انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان
- بختیاری شهلا. (۱۳۸۵)، حزب پان ایرانیسم به روایت اسناد، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- پیمانی، نادر (۱۳۸۵)، خاطرات نصرالله جهانشاه لو، ما و بیگانگان، تهران: انتشارات سمرقند
- جعفریان، رسول (۱۳۹۰)، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران، تهران: نشر علم
- حجازی، مسعود (۱۳۷۵)، رویدادها و داوری خاطرات مسعود حجازی ۱۳۲۹ - ۱۳۳۹، تهران: انتشارات نیلوفر
- حزب ایران، مجموعه اسناد و بیانیه‌ها ۱۳۲۳-۱۳۳۲ (۱۳۷۹)، به کوشش مسعود کوهستانی نژاد، تهران: انتشارات شیرازه
- خامه‌ای، انور (۱۳۶۲)، فرصت بزرگ از دست رفته، تهران: انتشارات هفته
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (۱۳۸۶)، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، تهران: انتشارات مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۱۸
- سیاسی، علی اکبر (۱۳۸۶)، گزارش یک زندگی، تهران: انتشارات اختران
- ضیاء ظریفی، ابوالحسن (۱۳۸۷)، سازمان دانشجویان دانشگاه تهران: ۱۳۲۰-۱۳۳۲، تهران: انتشارات شیرازه
- عبدی، عباس (۱۳۹۳)، جنبش دانشجویی پلی تکنیک (امیر کبیر)، تهران، نشر نی
- غلامحسین زرگری نژاد، منصور صفت گل و محمدباقر وثوقی، تاریخ دانشگاه تهران (زیر چاپ)، انتشارات دانشگاه تهران
- فاضلی، نعمت الله (۱۳۹۳). فرهنگ و دانشگاه، تهران: نشر ثالث، چاپ دوم
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸)، سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران و تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موثر بر آن، تهران: انتشارات رسا

- ..... (۱۳۸۸)، دانشگاه و آموزش عالی؛ منظرهای جهانی و مسئله‌های ایران، تهران: نشر نی
- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۲)، مصدق و نبرد قدرت، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات رسا
- کامبخش، عبدالصمد (۱۳۶۰)، شمه‌ای درباره تاریخ جنبش کارگری در ایران، تهران: انتشارات حزب توده
- کریمیان، علیرضا (۱۳۸۱)، جنبش دانشجویی در ایران، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- مجید فیاض، عبدالمجید (۱۳۸۹)، از باغ قصر تا قصر آرزوها، تهران: نشر کویر
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۷)، شصت سال خدمت و مقاومت، خاطرات مهندس بازرگانی، تهران: انتشارات رسا
- نراقی، احسان (۱۳۵۴)، جامعه، جوانان، دانشجویان، تهران: انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی
- هولاب، رابرت (۱۳۷۵)، نقد در حوزه عمومی، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی
- یاسپرس، کارل (۱۳۹۴)، ایده دانشگاه، ترجمه مهدی پارسا، مهرداد پارسا، تهران: نشر ققنوس
- یزدی، ابراهیم (۱۳۸۳)، جنبش دانشجویی در ده دهه: ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰، تهران: انتشارات قائم

#### مقالات

- بیات، کاوه (۱۳۷۵)، دانشگاه تهران، اول بهمن ۱۳۴۰، مجله گفتگو، شماره ۵
- مجله مجموعه حکمت (۱۳۳۸). عید فطر در گلشهر کرج، سال ۳. شماره ۳
- مجله نامه فروغ علم (۱۳۲۹). شماره ۳

#### خبرگزاری

- روزنامه اخبار ایران (۱۳۲۵). شماره ۱۵، جمعه ۱۳ دی ماه
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازیابی: ۱۳۲۹۱ - ۲۹۶. [بی تا]
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازیابی: ۳۹۰۳ - ۲۸۰. [بی تا]
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازیابی: ۵۶۲۵ - ۲۹۰. ۱۳۳۰/۸/۶
- مرکز سنجش، پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، پایگاه نخست وزیری (۱۳۲۹)، شماره بازیابی:

۱۳۲۹/۱/۳۱. ۷۱۵۵

..... (۱۳۳۱)، شماره بازیابی: ۱۱۷۷۲. ۱۳۳۱/۲/۲۸

- ..... (۱۳۳۹)، شماره بازیابی: ۵۵۵۹۹. ۱۳۳۹/۱۱/۳۰

- موسسه مطالعات تاریخ معاصر. شماره بازیابی: TIF م-۴۸۸-۱۲، ۱۳۴۰/۱۱/۵

#### منابع لاتین

- Ahmadi, Hossein et al. (Spring 2016), **University Good Governance: The study of autonomy and accountability in Islamic Azad University, Qazvin Province, Urban management, No.42**